



۸۹۱۵۰۰۲  
۳۰

الحمد لله على حسنه وكرمه

كتاب كامل انصاف عني

58

گفتگوی نامه فارسی

با صحت و خوبی و بلوغی کام

مطبع چون پیکش بی من چپا

۱۳۵۴۴

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE13466

## بسم الله الرحمن الرحيم

بعد حمد و نعت معلوم باد که احقر العباد مرزا عبد الباقی التلخیص  
 ہمیش کتابیکہ برائے حرف زدوں فارسی و درمدرسہائے انگلیزی و غیرہ بحالت  
 دران تھرقلمتہ چند بکاربرد و مامضی خاص و عام آفندیئے چت و فقرات کار آمد  
 ازان برجیدہ و چتہ سے از طرف خود اقروودہ بعنوان سوال و جواب مرتب  
 نمودہ نامش گفتگو نامہ فارسی تھا و خدا میداند کہ تالیف این کتاب  
 از روی غرضیت بلکه شکرگزاری نوازش و پرورش فرمائے اتخداوند  
 نعمت است کہ این میجدان را در مدرسه دارالعلوم از تعلیم و تربیت باین درجہ  
 رسانیدہ از لیاقت نامہ سرفرازی بخشیدہ باین حمہ موبومرہون حق  
 نمک پروری خود فرمودہ زہے دیوان عالی شان کہ اسم والاایش

نواب محمد الملک بجا و درست از غیرت عقل و عدلش چه فلاطون چه نیشتران  
 و از رشک فیض سانی و حکمرانی او چه حاتم چخادان بشهر خموشان گیرخته در  
 خاک روپوش شده اند بلکه بحال دم زدن ندانند هر چند اوصاف جمیلش  
 واجب العیانت است اما چه توان کرد که خارج از بیان است خامه هنگام  
 تحریرش سرگردان و از سرگردانی کمال دو نیم جگر و نعره زبان گاه در و ات  
 روپوش چنان که بحر استعانت پنج انگشت بر آمدن از آن چه امکان  
 گاه اشک بر چهره روان سر فکند بحر کنان ناگزیر بر دعا انقضا رفت او  
 الهی تا سطور این کتاب دست بدعاست عمر و دولت آن خداوند نعمت  
 و خداوند زادگان و الا عزت یومافیه ما در ترقی باد اکنون ای خوانندگان این  
 مختصر بحال تمام می آید و جان سوزی تالیف که از بهر شجاعت از دل  
 و زاموشش نغمه می آید - رباعی

این نامه چو بینید مایا دکنید	از فاتحه بنیخرو دمایا دکنید
بر خون جگر خوردن من کرده نظر	دلسوز چنین رفت کجایا دکنید

## صرف زدن ہا دوست وقت ملاقات

سوال السلام علیکم جواب وعلیکم السلام سوال خوش آمدید۔  
 جواب آن یافتم سوال مزاج عالی جواب الحمد للہ سوال بخرد و بزرگ  
 بخیر اند جواب بلے ہمہ دعا می کنند سوال بعد مدت تشریف آور وید این قہ  
 نے اتھاتی معاف و اید جواب اول حکیم کار ہاے دنیا می گذارند کہ شرف  
 اند و خدمت شوم جواب دوم حاضر خدمت نشوم کہ سخت بیمار بودم گویا  
 زندگی دوبارہ یافتم سوال خبرے تانہ و اید جواب اول خبرے گوش و  
 نشد تا بعرض رسانم جواب دوم میگویند امروز تا کشتی غرق شد سوال  
 کجا شنیدید جواب یہ بازار سوال ولے بر حال صاحبیل بیچارہ چه قدر  
 نقصان کردہ باشد جواب وہ دوازده هزار روپیہ باشد سوال اجازت  
 حالارضت می شوم جواب چرا چرا انقدر و دی سوال نشینید سائے خرف  
 ز نیم دے خوش گنیم خدمت شما کار سے ہم دارم امرے صلاح طلبیت جواب  
 حالامعاف و اید آغا وقت مدے قریب ست سوال باز کدام وقت

بلے انکے جان بچاؤ کے لیے  
 جواب میں خوش  
 یافتم وہاں  
 انکے ایک گنبد  
 فخر و تاج  
 جواب میں  
 وہاں تو نہ سوال  
 انکے بیچارے  
 جواب میں

تشریف می آید جواب انشاء اللہ فردا میرسم  
گفتگو با شخص ناواقف

سوال اسم شریف جواب محمد حنیف سوال اسم والد ماجد جناب صیت  
جواب شیخ نبی سوال عسکری جناب چه قدر باشد جواب یازده سال  
سوال وطن جناب یا بود و یا نش جناب جواب بهین بلده است یا خاک  
شیراز سوال علاقه جناب کجاست جواب در سرکار نظامت سوال بکدام حدت  
مأمور هستید جواب تدرسی سوال مشاهیر جناب چه قدر باشد جواب صد و پانزده  
سوال احمد صاحب شما کجا ملازم هستید جواب هنوز یکبار هفتم سوال چرا جتجو  
نمی کنید جواب حکیم آغا هر چند دست و پامیز نرم و بجای نمیرم جناب را با امرای  
بلده تعاروفت خصوصیت هست اگر درسی و معارفش من بیچاره زمان و قلمم اشک  
خواهند کرد عند الله و عند الرسول با جور خواهند شد سوال خاطر جمع دارید حتم  
الامکان در خدمت گزاری احباب مقصود نخواهد رفت جواب خدا جنابا تعالی  
را دیگرگاه سلاست دارد و جزای خیر و بد که توجیه دل سوزی بر حال بیچارگان میفرماید

نامہ پڑھ کر اس کا جواب دینا

وگرنہ دین زمان کسے رکے نئی پرسد کہ چہ حال دارید و درچہ ملائید سوال از کجا  
 میرید جواب از شیراز سوال چند فرست کہ از شیراز برآمدید جواب سہام  
 سوال از کدام راہ جواب از راہ کابل سوال راہ چگونہ است لنے دارد  
 یا ندارد جواب آغا چگونہ کسی کہ میروند سر بکفت می برند شکر خدا کہ ما بسلامت  
 آمدیدیم سوال اینجا کجا منزل گرفتید جواب بہ سہرا سوال تنہا ہستید یا  
 خانہ ترکوچ ہمراہ ہست سوال آغا چہ از ترک وطن کردید جواب قبلہ براس  
 تحصیل علم سوال حالا کجا میروید جواب اگر خدا ارست از محب در آباد  
 میروم چہ آنے کہ در انجاست بہ ہفت کشور تہدیدم  
 گفتگوئے مدرس

سوال محمد صاحب بر خرید آفتاب برآمد و بلند شد وقت مدرسہ قریب است  
 آب گرم طیارست آفتابہ گیرید دست و روشستہ جامہ دیر کنید کمالی نکند  
 جواب قبلہ پنجم سوال اے جان پدا امروز بکدر سہ میروید جواب  
 بلے روز آزویت سوال علی الصباح بر خرید از ضروریات فارع شدہ

لے  
 ایچے قابل عیال  
 و الخصال بہرہ  
 بستہ

لے  
 ایچے پنجم سوال  
 است

جایه پاکیزه در بر کفیه و بر وقت خود را بدر سه رسانید هرگاه پیش او ستا و آئید  
 آواب بجا آریده و ناسته باشید مودب نشینید چون رخصت شوید و در راه  
 بازی نکنید و با اطفال عیث کوچه گردی نکنید هر چه برده خوانده باشید شب  
 بپوشش کشید چه خواندن شب بر دل نقش می شود و صبح زود تر بیاید جواب  
 قبله سیر چشم سوال احمد صاحب بنیاد کتاب خود را بیاید بشنوم چه خوانده اید  
 جواب حاضر می شوم سوال چند کتاب خوانده اید حال ادرس کدام کتاب  
 جاریت جواب کتب متداوله در فارسی تا سکنه زمانه خوانده ام حال ادرس  
 طهوری بگیرم سوال استعداد و در فارسی و عربی چه قدر دارید و لیاقت انجام  
 کدام کار حاصل گردید جواب در فارسی طغرا و طهوری خوانده ام و در عربی شرح  
 ملا جامی و هر کار از سر کار مرحت خواهد شد بدولت و اقیال خداوند نعمت احتیام  
 آن کردن می توانم سوال کتاب و اکتید و از سر بخوانید بلید خوانید ورق بگردانید

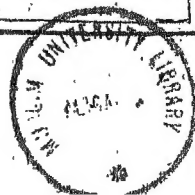
این بیت بخوانید بیت

وقت ضرورت چو نازد گریز	دست بگیرد سر شمشیر قیز
------------------------	------------------------

دست بپوش  
 سر آینه نده  
 بپوشه ورق



معنی و طلبش گویند جواب معنی اینست که وقت مجبوری هرگاه نباشد  
 راه گریختن دست بگیرد و ششستیر از او طلبش اینک انسان وقت مجبوری و  
 ناچاری که گریختن نمی تواند دست بقبضه شده برگشتن و جان دادن مستعد  
 می شود دیگر آنکه انسان هرگاه عاجز می شود بی اختیار توک ششستیر ترسیب گردد  
 و اندیشه نمی کند که دست زخمی خواهد شد و ضربه انسان در عالم مجبوری ترکب  
 آن امر می شود که در حق او هیچ فایده ندارد بلکه موجب ضرر باشد چنانچه قیدی  
 بوقت قتل پادشاه را دستام داد و بگفت سوال بارک الله علیہ روشن  
 دارید جواب اول حسن بن بزرگان است جواب دوم بزرگان  
 همین قدر و نوازی میفرمایند سوال همین صفحه که خوانده اید تعلش بردارید  
 جواب قبله پنجم سوال خط شاخوبست جواب از برکت توجه جناب است  
 سوال محمود صاحب شما بیاتید بخوانید این چه لفظ است اگر یاد دارید چرا  
 نمی خوانید یا کرده بگوئید صحیح و درست بخوانید غلط بکنید آغا جواب قبله



در کتاب همین نوشت است سوال خیر کاتب غلط کرده فلم بگیرد و درست  
 کنید جواب پنجم سوال این فقره چه معنی دارد جواب هنوز نو  
 آموزم فقط حرف شناسی است معنی شناس سوال هر چه می خوانید بفهمید  
 و بخشش در رسیدن طوطی از برگردن و بطلب ز رسیدن چه فائده عالم طفلی را  
 غنیمت دانید که وقت کسب علم و هنر همین است رفیق شما نیم صفحه از شما زیاده  
 می خواند مگر شرم ندارد جواب نیز خباب سلامت باشد و چند روز بمسئولش  
 می شوم سوال محمد صاحب شما می توانید که این اینجا جواب بلی  
 چرا می توانم این فقط علم است سوال آفرین آفرین جایش بگیرد و بنشیند  
 جواب پنجم سوال ببینید احمد صاحب چه سوادمند پسرتانند سبق  
 هر روز یاد می کنند حالا سواد آفکار روشن شده حیل محبت کش اند با نیک  
 مدت استعدا دهم رسانیده اند جواب بلی فرموده جناب همه است  
 است سوال محمود صاحب شما درس گرفتید جواب هنوز نگرفته ام آموخته ام بخوانم  
 سوال پس کنید بن کنید اولاد درس بگیرد شمار و کتاب بخواند از پر

بخوانید تا از یاد شما نبرد و بدل گوش کنید فہمید جواب بے سوال شوق  
 خود بسیارید کہ سنیم این حرف شہای قاعدہ است این حرف بسیار خوبست کہ  
 خیال علیٰ طریقت کا خذیم کہ رمی کشد و ات شہا کی است بہ بنید کہ  
 آتیہ قدر روشن و سیاہ است جواب بے سوال امروزیدیر آمدید صبح  
 میدانید کہ چند ساعت روز برآمد و ساعت چند روزہ درین ماہ دوسہ روز  
 غیر حاضر شدید تا توانید غیر حاضر نشوید جواب قبلہ ختم سوال اے بچھا  
 بخوانید و درست یاد کنید کہ وقت پر خاست قریب است زود باشند  
 زود باشند و ساعت چارہ لمحہ باقیست پس سرم چاشت آید  
 بیاتید بیلوس اٹھت بنید بفارسی حرف زدن می توانید جواب قبلہ  
 غیرت لطفی زبان فارسی ندارم سوال بیاتید بیاتید بفارسی حرف زدن  
 و یک دست ترک بندی گویم شرم نکنید چہ تو آید بفارسی حرف زدن  
 جواب قبلہ ختم سوال اما نویسی می توان کرد جواب قبلہ  
 ہمزو نو آموزم یاد نگرفتہ ام از توجہ بناب قریب است کہ می آموزم۔

حاشیہ  
 این کتاب  
 در علم  
 نجوم  
 و  
 طریقت  
 است

در باب فریاد اطفال و تصدیق بآنها  
 سوال جناب آغا صاحب قلمتر ششم کم شد جواب همین جا بوده باشد  
 نیز فرستیدین سوال آخر کجا گذاشته بودی جواب در جزو انهم بود  
 سوال احد تو دیدی جواب نین خبر دارم سوال دیگر که برد از اینجا جواب  
 خدا معلوم سوال هاشم کتابم گرفته و نمی دهد و دستبازی میکند جواب  
 پیش من بیارے هاشم چرا بامردم جنگ میکنی مال دیگران چرا میگیری خصل  
 یه پاک شده هوشیار باش بار دیگر شکایت تو بگو ششم نرسد و الا سخت گویست  
 سیدم سوال جناب آغا صاحب بلا خط فرماید که این طفل که وقت خواندن این  
 تسحر میکند و خنده می آرد و علم میکند و رومی حمد و مدح میکند و نیزند آنچه چنان نیز نم  
 که فرستیدین میشود جواب <sup>نشدی که گوی</sup> او را پیشم بیار سوال <sup>چونگی بقیه</sup> آن ملعون چرا جنگ میکند  
 لعنت خدا که در شرارت و سرکشی کم از شیطان نیستی جواب من چه کردم این همه  
 آیتان عظیم است سوال این یکے گو که ترا شناسد اگر گوی که ماست خیدیت باور  
 ندارم ترا اندام میان نمیدانم جواب خداوند است سوال آغا صاحب این طفل که

در خانه خیلی شغرت میکنند همه را تنگ کرده است و در رفاقت چند اطفال محله روز  
 شب مشغول بازی و کوچ گردیت و در قمار بازی همه مال خانه بر باد میدهند آخر پانچ  
 می شود و روزی روی زندان می بینند و بسبب بودن پدرش بر او دور  
 و از بخوف و بی اندیشه بوده گفته مادر خود را بخاطر نمی آرد جواب این همه گفت  
 از ناپایداری مادرش بوده است که گشتن روز اول حالا خود کرده را چه علاج خیر گفته  
 شما بند و بندش میکنم سوال اے مرد که ترا سزاے معقول میداد تا بود هم دیگران  
 اشیعت و عبرت شود مگر عالم طفلی و اموش کردی و آن بیچارگی یا دنداری حالا که  
 بقصیل الهی جوان شدی با مادر ضعیف سرکشی میکنی و حرف تند و تلخ میکنی چو آ  
 از لطف و کرم حضرت امیدوارم که بتدیک تصورم معاف شود اگر یار دیگر نصیحت  
 کنم هرگز آنکه دهنده سزاوارم سوال اتحاد چه میکنی خاموش نمی مانی اگر نمی  
 ترسی می بینم که یک ساعت یکجا تو را نمیگیری هرگز یار دیگر آنجا نروی و الا زیر  
 قوی خواهم کشید چه اخته میکنی گستاخ شده بسیار اے ادب هستی کتاب  
 از زبان کلن بین پارد پاره می شود و نیای پزداسن از کجای خجی پیره

کثیف هستی اگر عدا این حرکت میگردی پس میرسی و پنجه نیک نمی  
 دیدی هوش دار باز اینچنین حرکت نکنی بایار می پرسی چرا یا و تمیذاری  
 هر چه میگویم بخاطر گنهار چو آب چشم سوال ابی بچهای خجسته شور و خجسته  
 عجیب بی تمیز نیستید تفرسرم پاک نور دید هرگاه سزا خواهم دید یافت همه دم  
 بخود خواهی شدت بحرف بد زبان را آشنا کنید مکتب جاب خواهی شدت  
 نه جاب بیود و گفتن چشم بیاید که سزا گفتی شاد هم جواب معاف  
 کنید قبله باز چنین حرکت نخواهم کرد سوال کار خود بانجام رسانید جواب  
 قبله قدس باقیست سوال چه میگوید سخن شما بفهم نمی آید لفظ خود درست کنید  
 جواب چشم سوال جناب آن صاحب وقت رخصت شد اگر اجازت  
 نجات خود بایرم جواب بروید سوال رخصت دور و رحمت سود که پدر و مادر  
 جات همان میروند من هم میروم جواب برو سوال جناب آن صاحب خبر که  
 برور آواز میدهد و دستک میزنند جواب بگو تا اندرون بیایند یا پرس که کیستند  
 و چه نام دارند و از کجا میروند و چه میخواهند

## در جنگ کردن اطفال با یک دیگر

سوال است مرد که چه فسیده یک طپا پنجه نیز نم که خون از پشت یچکد جواب هر کس  
به بینید و گواه باشید که این پر معاش چه طور سرکشی و زبان درازی می کند سوال  
تف بر تو چه بزدل هستی که حیرت صد ها و شام سید پدر اثر می کند مگر غیرت  
نداری جواب است برادر با سقچه را مقابل باید کرد سوال اگر مردی بیدان تابیا

بعلی بیگ ضربت کلات تمام نت سوال بر و پرو که بسیار مرد و دهنده هستی  
من چند آنکه تحمل میکنم و خاموش میانم تو زبان درازی و سرکشی پیش می آتی است  
مرد که نام تو نمیکم چرا نام من گیری خوف خدا میکنم و بحال ضعیف رحمی آم  
و گرنه یکشت نیز نم که همه استخوانت ریزه ریزه میشود جواب قدرت خدا اینجاست  
با من اراده بجنگ دارد مگر از زندگی تنگ آمده است بجز خودم این را سلاست  
نمیگذارم سوال از حرفهای یزدبان خود بگذار و الا ندانست خواهی شکست بنوع  
طفل هستی گرم و سرد ز مایه پشیده ترا بام و مان کار نیست و او گرنه زایه اینهمه  
حوکات چنان می یافتی که بار دیگر هوایم نام که نمیکردی جواب پشیم لافانی

مکن تو در چه حساب هستی اگر مانند تو صد تن بیایند همه را بیک چوب دستی جواب هم  
سوال در گذرید آقا هنوز این طفل تا دالتت جواب بجان شما دست بردار  
نمی شوم تا خوشتر بخورم این کنیز یک زاوه چه خواهد کرد که تو نبیت

## در باب بیماریها

سوال امروز احمد نیاید جواب گویند و پروتیب کرده حال قدری افتاده است  
مگر هنوز چاق نشده سوال تیارش که میکنند جواب پدرش میکند مگر بسیار  
متفکر است هیچ و افاده نمیدهد مادرش سخت بخوابی دارد هر چند دل میدهد و  
قسمهای میخورد که جاس اندیشه نبیت دست از سینه کوبی بر نید از خدایش خبر  
و حد سوال علاج کدام طبیب است جواب حکیم یونانی است سوال  
علاج ڈاکٹر چه میکنند جواب مردم هند از ڈاکٹر می ترسند سوال آخر چرا  
جواب فقط نادانیت مگر نفی که در علاج ڈاکٹر دیدم هیچ علان ندیدم و و  
اندک و نفی بسیار خدایش شفا دهد سوال امروز سرم در دیکند جواب نصیب  
اندا سوال انکے جواب تیشب که از خواب برخاستم خود را مبتلا به همین زرد



یازم سوال از سر دی و شب بیداریت سلسلے خواب کنید رفع میشود و جواب  
 یازم سوال جناب غاصب شکم بندہ نصایت در ویکنند اگر اجازت بخازم  
 و همین که وینورم باز می آیم جواب برو زود بیا۔

گفتگوی ملازمین

سوال خانہ آغاز فریدی جواب بے سوال این رقبہ بدو و صبر کن تا  
جواب بے بدہند اگر خانہ بنا شد خادم را بدو و زود تر واپس بیا جواب ختم سوال  
این رویہ بگیر و سیاه کن جواب ہنوز صرف دکان کث وہ سوال این رویہ  
قلب ست صرف نیگیر جواب خیر دیگر سوال دو فلوس بدلاک بدہ جواب  
ختم سوال امر و خانہ را کسی جاروب نکرده بیا صفا بدو و فرست رات بکان۔

سوال پیرا میں بین تگہ دار و گریبان نش تنگ ست بند و زیر جامہ بکش

آستین این پاره شده خیاط را بدید که رفو کند بند قباشکته است خانیده  
که درست کند خیاط را بسیار حاجه بر تم قطع کند و پرس که بر اس دواخت

یک جامه چه قدر فرود میگردد و جامه های کثیف بکار رفته تاشته آرد  
و دستارم دستارندیده تانصب داری به بند و بسیار

گفتگویی آب و طعام

سوال: امروز چه خوردید جواب: نان گندم و فلیه سوال: جناب آغا صاحب  
چهرت رسیده اید طعام حاضرست بیایید نوش جان و بایند جواب  
بند: پرور خیر خورده ام اشتها ندارم سوال: خیر خیر اینجام نوش جان فرمایید  
آخران اینجا بایان اینجا خنک نمی کنند جواب: بجان شما حیرستم  
سوال: خیر قدری بخورید یک دو لقمه پیش بخورید بیایند بایان خنک  
می شود از غذا التکاف خوب نیست جواب: خیر حاضرم گفته جناب بجان  
نظورت سوال: چه شود اگر امروز همان بن باشد و بنیان و نک فاعلت  
کنید جواب: ز من سعادت سوال: برادر شما چه می کنند جواب: غل  
می خورند و می آیند سوال: حمید علی برود و فلوس را شیر با آب خوردن  
یده جنگام سرماست زغال روشن کن نقل گذارشته بیا رشتگی من بدو  
دست نهاده ۱۲۵

و قدرے چائے دم جواب پچشم سوال چائے حاضرست جواب معاف  
 واریہ آغا میخورم کہ خشکی نمی آرد سوال خیر از یک فغان چه میشود قدرے شیر  
 بکنید کہ خشکیش رانی برود جواب پچشم سوال قلیان میل بفرمایند جواب قل  
 الطاف شما کم نشود قلیان پیش بنیاب آغا صاحب بگذارید تا دودے کرده بند  
 جواب دوم بنده را معاف فرماید کہ عادتش نمی دارم سوال برائے طعام  
 خوردن میروم و برائے آب خوردن میروم و برائے شاشیدن میروم جواب برو

### گفتگوئے خرید و فروخت

سوال سیوہ فروش حاضرست جواب بیارید کجاست سوال انگویرے  
 چند میدی جواب سیرے دو آنه سوال سیب روپیرا چند جواب بت  
 پنج سوال خدا را بین بابا راست بگو جواب شتور دشت صم مکرده ام از شما  
 زیاده نمی خواهم زنگش ببینید و بولیش کنید سوال بسیار راست جواب خیر یک  
 سخن دارم آغا انگو از شت آنه کمتر و سیب از سی و آنه زیاده نمی دارم سوال انقدر  
 گران فروشی مکن بابا که میگردد جواب خیر مردم باز روی برسد سوال کهنه شده

حرف مرا گوش کن در گران فروشی نفع نیست اگر از آن میفروشی بسیار  
می فروشی نفع می بری این رفیقان تو را بچند جواب بهشت آن سوال  
آورد بچند جواب از پنج آن کم نیست سوال چهار آن بگیر جواب غیر گفته  
شما بجان منظورست بگیرد سوال انگور سر و زعفران پنج تو را میخوانم بکش  
چه چه خوش باشد خود چیده بده جواب همانش کیانست سر و سرور فوق  
نیت سوال قیمت این فیروزه چه باشد جواب هفت روپیه سوال  
پناه بچند جواب یک حرف دارم آغاز پنج روپیه کم نیست سوال اکنون  
من هم بگویم جواب بفرماید سوال چار روپیه بگیری بگیرد نه اختیار داری  
بآمان خدا جواب خیر باشد حالا شب شد بجا برم بگیرد سوال این نظر شما  
مال چند است جواب دو روپیه - گفتگو است شب

سوال شام شد چراغ بر کن شمع روشن کن روشنی کمتر دارد و عن چراغ بر کن  
که خاموش نشود گل بگیرد فیلد را پیش کن جواب چشم سوال شب  
بخیر است جواب شب بخیر است سوال حالا چفت میشود جواب

لله ان  
نفعه و وقت  
سیاحت  
چون بود  
حافظ

کجا سیر و دید شب تاریک است وقت رفتن نیست همین جا خواب کنید بسیار  
 گذشته جواب پنجم سوال برآید جناب غاص صاحب فرس بنید از تو تشنگ  
 بنگان و بر بالین تکیه بدار و محاف را بآئین بگذار با وزن کن که حرات نشد نیست  
 شب چه قدر گذشته و چه قدر باقیست جواب البتہ پاسی از شب گذشته و نیم  
 پاس باقی باشد سوال چنانع را کناره بگذار شمع دان سطرانچه کلید زیر بالینم بدار  
 دروازه بند کن چون پاره از شب گذرد و مرید ار کن که چیزی نوشتن است جواب  
 قبل پنجم - گفتگوئے بارش

سوال اریسپا از جانب شمال برخاسته به قہمیزند البتہ خواهد یارید  
 و دیده بیا سید قدم بدارید تا پیش از یاریدن خانه رسم اتیک در رسید حال ازور  
 آور و بیا سید بیا سید کانی پنابے گیر تم تا رت شوم جواب تشریف برید حسن  
 عقب میرسم سوال آب زوری یار و کنون استا و حال اکم شد جواب بلا

### تفرقات

سوال گریہ را دید و تا پنجم دار و ماشا کنید چه بار میا میکند دست پرستش

کشید خوش میشود و خوش میکند همین نشان مجتبی است مرا که توش خیل  
خوش می آید جواب بشما آشنایم شده است که هرگاه از پیش شما میرویم  
صدایش کنید و دیده می آید سوال گریه مسکین جان تو نیست جواب بل  
پیش شما مسکین است از موش و کج تک پرسید ناخن گریه قهر خداست کم از  
خجمرت سوال سنگ را نگاه کنید چه لایها میکند به بنید چه طور دم می جنبان  
و من نگریه که خوش نمی آید بدش کنید و بگذارد که درون بیاید و خوش  
را خواب کند و ز بصر ابروم و سر گرگش سردادم چه گویم همان نقل گریه و  
موش بود جواب اگر همین قدرت بعلی ابن ابی طالب این سگ و بخت  
کم از شیه نداشت سوال از نوشه پاشا خانه تنگ آمده ام که هر چه اسباب می نیابند  
ریزه ریزه میکنند جواب چرا گریه نمی پرورید که از بیکت قدش نام و نشان آید  
تو احمد ماند سوال این اسپ حلی چایک است تاب همیشه هم نمی آرد تا  
بقمچه رسد چه سبب است که فری نمی شود جواب آب و دانه سند با سپه پاس  
ولایت نمی سازد سوال این طفل که صورت و سیرت هر دو دست دارد

جواب بی خدا عمرش دراز کند سوال در دست کجا بودی بیا نم خدای تواند  
 مدت دریا و تو ام جواب قربانت شوم من اینجا تهمت آقامت بداشتم سفر گزین شیراز  
 بودم سوال صد دانه اینه اسالنجیت داشتم بذالیه درآمده باشد جواب و الله  
 خراک الله خیل خوش مزه و شیرین برآمد خانه آباد نعمت فریاد سوال اگر بنج به  
 لازمان شریف نباشد بغیرب خانه قدم رنجه باید فرمود جواب چه میشود حاضر میشوم  
 سوال دو تخته جناب کجاست جواب عازیکه پیش روی جناب است همین بغیر  
 خانه است سوال آنجا چند تا برادر دارید جواب پنج برادر هستیم و یک خواهر سوال  
 برادر شما کتخدا شده جواب بی سوال دیر روز نیاید جواب حکم آغاز کار شما  
 فرصت سرخاری ندارم سوال خیرست امروز چه پیش آمد که افتان و خیزان میروید  
 اگر نصیب آعدا تشویشی لاحق حال است بفرمایند که تدبیر و محض کنیم جواب  
 حالا چه گویم که هوا و ایرست سوال چه قسم کردی که خادوم خود را ناحق زودی عیب  
 بیا بایه مروت بوده است ظالم بحال زارش رنجه و از لطف نگاہ ترنس خدا  
 و در ویراوری که همه تسل آدم بیکه نبی آدم ضرورت یکسی او و لم را بدرد آورد

جواب غیر آنچه شدنی بود شد سوال میگویند محمد فاضل خلیه عالم است  
 خلق خدا را ناحق رنج میدهد و از زنان می اندازد و جواب این ظالم بی  
 انصاف را خدا ایراد و مرده شو تشکل بخش بر د سوال آفرین و رحمت خدا  
 که سخن خوبی گفتی و مر حیا و بارک الله خوش حرف میزنی زنده باش جواب  
 آنچه میفرمایند از راه عنایت است

### خاتمه کتاب

الحمد لله والمنة که گفتگو نامه فارسی تاریخ مجسم ماه رجب المرجب  
 ۱۲۸۵ هجری با ختام سیده فکریه یک بخت از دل و در گردید خداوند  
 تو میدانی این کار که کرده ام بر لب فائده بندگان تست تو هم اگر گنا مان  
 من بنده و سر فکند از راه کرم عفو کنی شایان تست ریاضی

یار بکنده هر آنکه کتاب را	خواند هر آن کس که از رحمت کتاب
آن هر دو را بهر دو جهان و در سر جزو	گردان قبول اهل ذر است کتاب
هر که طالب این نسخه مختصر است سجد متش چنین عرض احقرت ریاضی	



بے عیب بود ذات خدا عیب مکن	یابے چو درین نامه خطا عیب مکن
بیداری اگر عقل رسا عیب مکن	از جانب حق دان تو همه خوب خراب

## رباعی

روز و شب خون جگر خوردم هما انصاف	اسے زراہ لطف بین این تا مراد انصاف
بیخه انصاف است و مراد انصاف	من باین جنت کشیدم عیب حتی تو کنی

قطعه تیار مع تالیف این کتاب از نیاز طبع عالم و فاضل و کامل استاد می سولوی عبد الرحمن صاحب قیلہ المختصیر

نام چون پوست اختتام نمود	یعنی این گوهر نفیس بسفت
یاد بے اختیار تار بخش	بے بجایے نظیر نامہ بگفت

الحمد لله الملك الوهاب والصلوة على رسولہ الى يوم الحساب کاین  
کتاب مفید طلاب شتمل بر سوال و جواب روزمره فارسی نفیس در  
مجاوره سلیس و مطبوع چون پرکاش و پلی از اختتام  
جناب راس گرد و لال طبع شد

۱۳۴۴



University Library  
Algeria  
COLLECTION



CALL No. { ۸۹۱۵۵۴ (۵) } ACC. NO. ۱۳۲۶  
 AUTHOR قوش، مرزا عبداللہ بیگ  
 TITLE گفتگوی نامہ خارجی

Acc. No. ۱۳۲۶۶ (۵)  
 Class No. ۸۹۱۵۵۴ Book No. ۲۴۶  
 Author قوش، مرزا عبداللہ بیگ  
 Title گفتگوی نامہ خارجی

THE

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date



## MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

### RULES:-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

